

آشنایی با ساختار تربیت دینی و راهکارهایی برای پذیرش آن در سنین کودکی

چکیده

تربیت دینی از مهم‌ترین مسائل در فرهنگ اسلامی است و درباره آن مطالعات قابل توجهی صورت پذیرفته است. این موضوع دارای مراحل اجرایی است که عدم آگاهی یا بی‌توجهی به آن می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل عدم دستیابی به چنان تربیتی در کودکان باشد. در این مقاله، تربیت دینی-اسلامی به پنج مرحله: انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، عمل به دستورهای دینی و خودجوشی دینی تقسیم شده است. سپس، این قسمت‌ها با تکیه بر فرهنگ اسلامی و نقش مربی کودکان، تبیین شده است. در پایان نتیجه اصلی این مقاله، دادن راهکارهای عملی در راستای ایجاد تربیت دینی-اسلامی در کودکان خواهد بود.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۵

از صفحه ۱ تا صفحه ۱۸

دکتر داوود کمیجانی

دکترای مطالعات اسلامی و مدرس
دانشگاه

Davood.Komijani@gmail.com

زینب فریادرس

کارشناس ارشد رشته تفسیر قرآن
zeynabfaryadras1366@gmail.com

کلید واژه:

تربیت، تربیت دینی-اسلامی،

مراحل تربیت دینی-اسلامی،

راهکارهای تربیت دینی-اسلامی

مقدمه

موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های آن، مبحثی است که از دیرباز توجه بشر را به خود معطوف ساخته است و در تمام عصرهای گوناگون زندگانی انسان، از اهمیت والایی برخوردار بوده است. پیامبر اسلام، از چهارده قرن قبل، آخرین برنامه کمال و سعادت بشر را بر انسان عرضه داشت. آن حضرت، مردم را به فراگیری علم و دانش، کسب فضیلت‌ها و آداب نیکو فراخواند و فراگیری دانش را بر هر مسلمانی واجب دانست. از روایت‌های اسلامی بر می‌آید که انسان باید در لحظات زندگی سیر تکاملی خود را ادامه دهد و پیوسته بر کمالاتش بیفزاید و در صدد اصلاح و تکامل خود باشد. بنابراین ضرورت و اهمیت فراگیری و پرداختن به تعلیم و تربیت بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

یکی از واژه‌های نوظهور در زمینه «تعلیم و تربیت»، کلمه «تربیت دینی» است. در زمینه تعریف تربیت دینی نظریات متفاوتی وجود دارد، اما در این‌جا منظور ما از تربیت دینی «تربیت بر مبنای تعالیم دین اسلام است». در این زمینه لازم است مهم‌ترین راهکارهای اجرایی شدن تربیت دینی را در قالب یک فرایند در برنامه‌ی تربیتی و آموزشی خود بگنجانیم. حال پرسش اصلی این است که چه کنیم تا فرزندانمان شیوه تربیتی ما را بپذیرند و در روند تربیت دینی، فردی متدین و عامل به تکالیف دینی شوند؟ با این وجود، لازم است بدانیم فرمان‌های دین اسلام در این زمینه چیست؟

شاید علت عدم موفقیت برخی متولیان امور تربیتی، به ویژه والدین، در تربیت دینی کودکان، ناآگاهی از ویژگی‌های کودک، کیفیت رشد، اقتضائات آن و همچنین آشنا نبودن مربی با شیوه‌ها و مراحل تربیت دینی است. بر اساس روایات و بر مبنای نقش مربی، برای نهادینه کردن معارف دینی در کودکان مراحل وجود دارد که به صورت مستمر و منظم یکی پس از دیگری فراهم و امکان پذیر خواهد شد. این پژوهش با هدف آشنا کردن متولیان امور تربیتی با مراحل تربیت و دستیابی به مدلی از تربیت دینی که در آن راهبردها و راهکارهای تربیتی به گونه‌ای برجسته بیان شده باشد، شکل گرفته است. با اجرای این مراحل و به کار بردن راهکارهای مطرح شده، می‌توان پایه‌های تربیت دینی را در وجود کودکان نهادینه کرد. با بررسی‌هایی که انجام گرفت، در این زمینه تحقیقی که مراحل تربیتی را بیان کرده باشد و همچنین به بیان راهکار پرداخته باشد، یافت نشد. با در نظر گرفتن این امر، جنبه نوآوری تحقیق بیشتر آشکار می‌شود.

متون تربیت اسلامی که به نوعی با پژوهش حاضر در ارتباط هستند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول: متونی که حدیث "سه هفت سال" در آن‌ها مبنای اصلی کار است و تحولات بعد از بیست و یک سالگی، بدون توجه به ملاحظات دقیق بررسی شده است.^۱

دسته دوم: متونی که حدیث امام رضا (ع)^۲ «الإيمان فوق الإسلام بدرجة و التقوى فوق الإيمان بدرجة و اليقين فوق التقوى بدرجة و ما قسم في الناس شيء أقل من اليقين.» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۱) در آن‌ها مبنای مرحله‌بندی قرار گرفته است. بنابراین مراحل تربیت در گستره زندگی را تبیین کرده‌اند.^۳ در میان متخصصان تعلیم و تربیت، آن‌ها که درباره مراحل تربیت کتاب نوشته‌اند، تنها به این نکته تأکید کرده‌اند که این مراحل، بر تحول روانی انسان مبتنی است و از روی عوامل عمده تکوینی، می‌توان آن‌ها را روشن کرد.^۴ دسته سوم: مقاله‌هایی که مراحل تربیتی را با توجه به آیات و روایات تبیین نموده‌اند.^۵

در این مقاله علاوه بر توجه به یافته‌های موجود و با نظر به تعریفی که از تربیت دینی بیان می‌گردد، ضمن تبیین مراحل رشد، سعی شده است تا حد امکان از آیات و روایات موجود نیز استفاده شود. در بین این مراحل، به دادن راه‌کارهایی با تکیه بر آیات و روایات، به اولین و مهم‌ترین مرحله از مراحل تربیت، یعنی «انس دینی»، پرداخته شده است.

۱. مفهوم تربیت دینی

«تربیت دینی» را باید جزء آن دسته از مفاهیمی قرار داد، که به ظاهر بسیار روشن و بی‌نیاز از تفسیر به نظر می‌رسد، ولی به همان اندازه نیز از ابهام برخوردار است و بررسی دقیق و جامعی را می‌طلبد.

الف) تعریف لغوی تربیت دینی

دین در لغت به معنای جزا، اطاعت و انقیاد آمده است (مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۲۱۵). اطاعت و پیروی را بدین جهت دین نامیده‌اند که اطاعت برای جزا و پاداش است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۱۵). دین را به چیزی که معبود به واسطه آن اطاعت می‌شود، معنا کرده‌اند (عسکری، بی‌تا، ص ۲۱۴). مؤلف مقایس‌اللغه معتقد است؛ دین یک معنای اصلی دارد و بقیه معانی به آن بر می‌گردند. معنای اصلی دین اطاعت از جنس انقیاد و ذل است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۹). همچنین درباره تربیت معتقد است: «تربیت بر یک معنای اصلی دلالت دارد و آن زیادت و رشد و نمو است. ربیته و تربیته به معنای غذا دادن است و غذا دادن موجب رشد و نمو است و ممکن است تربیت از تربیت به معنای اصلاح حال باشد (همان، ج ۲، ص ۴۸۳)». بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است؛ از این رو به معنای تغذیه فرزند، زراعت و مثل آن به کار می‌رود (جوهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۵).

ب) تربیت دینی در اصطلاح

برای تعریف تربیت، روایت‌ها و نظریات متفاوتی وجود دارد، اما ساده‌ترین معنایی که می‌توان از عبارت «تربیت دینی» داد که با اهداف این مقاله نیز هم‌سو باشد، عبارت است از: «تربیت دینی به معنای تربیت برگرفته از متون دینی، اقدام‌ها و دستورالعمل‌های برگرفته از متون اسلامی برای آموزش آموزه‌های فردی و اجتماعی اسلام است.» با توجه به تعریف مذکور، منظور ما از تربیت دینی، تربیت اسلامی است که استاد مطهری در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی آن را این‌گونه بیان می‌کنند: «تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می‌شود که زمینه را برای بروز و ظهور استعدادهای فطری آدمی فراهم می‌کند و او را بالنده‌تر و کمال‌یافته‌تر می‌سازد. هدف غایی تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله دینی در وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه‌دار از او سربرزند.» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۶-۵۷).

۲. مراحل تربیت دینی

از آن جا که هر تکامل و رشدی در یک روند منطقی و معقول قابل تصور است. تربیت دینی هم نیاز به طراحی مراحل اجرایی و آموزشی خاصی دارد. برخی متخصصان علوم تربیتی بر مبنای نقش مربی، مراحل تربیت دینی را به شرح زیر توصیف می‌کنند:

۱-۲. انس دینی

اولین مرحله تربیت دینی، انس دینی است. کودکی که در اولین سال‌های زندگی‌اش، با دیدن تصویر عبادت کردن والدینش آشنا می‌شود و در سه یا چهار سالگی در کنار ما جامه‌هاز پهن می‌کند و به تقلید از ما قیام، قنوت، رکوع و سجده‌ای بر پا می‌کند زمینه‌ای به نام انس و الفت دینی در او ایجاد می‌شود. وقتی کودک ما در کنارمان سجده و رکوعی می‌کند و سلام نمازش را می‌دهد و ما دستش را به گرمی می‌فشاریم و لبخندی رضایت‌بخش در صورت او شکوفا می‌گردد، این خاطره شیرین در یادش باقی می‌ماند که هنگام انجام این حرکات، از ما یک پاداش درونی و رضایت بخشی را دریافت کرده است. این رفتارها کم‌کم در او نوعی تعلقات دینی ایجاد خواهد کرد که پایه انس با دین است.

در روانشناسی به این پدیده «شرطی کردن» می‌گویند. به این صورت که اگر دو امر در مجاورت یکدیگر قرار بگیرد، با حضور یکی، دیگری هم حضور پیدا کند. کودک به تدریج بین این دو پدیده پیوندی برقرار می‌کند که به آن «پیوند شرطی برقرارکردن» گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر واکنشی که معمولاً در برابر عملی انجام می‌گیرد ممکن است به عمل مجاور آن نیز انتقال یابد. بنابراین کودک در سال‌های بعد، که زندگی مستقلی را دنبال می‌کند، هر زمانی که به خاطر آورد هنگام نماز خواندن او سیمای ما شاد می‌شد و او را تشویق می‌کردیم در او علاقه به دین به وجود می‌آید (رشید پور، ۱۳۷۴، ص ۹۶).

۲-۲. عادت دینی

وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کرد، کم‌کم به آن خو می‌کند و حالتی در نفسش پدید می‌آید که اصطلاحاً «عادت» نامیده می‌شود. انسان معتاد، با عمل مزبور، انس خاصی پیدا می‌کند و به طور طبیعی تمایل دارد آن را ادامه دهد. ممکن است عملی در آغاز، دشوار و حتی ناگوار باشد، ولی بعد از تکرار و حصول عادت، آسان و گوارا می‌گردد؛ به گونه‌ای که گویا از طبیعت صادر می‌شود و یک فعل طبیعی است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «عادت طبیعت ثانوی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ص ۳۲۲).

دانشمندان علم اخلاق و تعلیم و تربیت، عادت دادن را یکی از روش‌های مهم تربیت می‌دانند و نقش بزرگی برای آن قائل هستند. فن تربیت را فن عادت دادن می‌دانند. برای نمونه جان لاک می‌نویسد: «اعمال خوب به تنهایی کافی نیستند، دانش آموزان باید اعمال خوب را آنقدر تکرار کنند که جزء عادات پسندیده درآیند. زیرا عادات همیشه سهل‌تر و آسان‌تر از خرد است که به هنگام ضرورت به ندرت مشورت و از آن تبعیت می‌کنیم، عمل می‌کنند» (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۵۶۹).

تربیت، مبتنی بر عادت است و از طریق عادت دادن می‌توان به تربیت افراد پرداخت. کودک در

آغاز زندگی به هیچ چیز عادت ندارد، ولی با تکرار عمل، کم‌کم عادت‌هایی برایش به وجود می‌آید. به دلیل تکرار اعمال ناپسند به بدی عادت می‌کند و در اثر تکرار عمل خوب، به کار نیک عادت می‌کند. بنابراین اگر کودکی در زمان کودکی به کارهای خوب عادت نکرد، وقتی بزرگ شد، پابندی چندانی به آن‌ها نخواهد داشت. زیرا با آن مأنوس نشده است. از این رو اسلام درباره عادت دادن فرد به کارهای پسندیده، تأکید فراوانی می‌کند. برای نمونه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «نفس خودت را به انجام کارهای نیکو و تحمل بار غرامت‌های مردم، عادت بده، تا نفس تو شریف و آخرت آباد شود و ستایش کنندگانت بسیار گردند» (همیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۲). همچنین فرمود: «برای نیکوکاری عادت به آن کافی است» (همان، ص ۱۰۵). از این رو اسلام به پدر و مادر سفارش می‌کند که فرزندانشان را از کودکی و قبل از بلوغ به نماز خواندن و روزه گرفتن وادار کنند تا آن‌ها به این امر عادت نمایند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۲-۳۸۴). امام رضا (ع) می‌فرماید: «پسر را در سن هفت سالگی وادار به نماز کنید.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۸).

۳-۲ معرفت دینی

این مرحله مربوط به سال‌های ورود به دوره راهنمایی و آغاز نوجوانی است که از ۱۲ تا ۱۶ سالگی را شامل می‌شود. البته این دوره در دختران یکی دو سال زودتر از پسران آغاز می‌شود (شکوهی، ۱۳۵۸، ص ۱۷۸). در این مرحله با پشت سر نهادن دوره‌های قبل و همچنین به دلیل ظهور تفکر انتزاعی، تفکر مذهبی نیز در نوجوان شکل می‌گیرد. با توجه به این ویژگی، زمینه بسیار مساعدی برای درک دستوره‌های دینی در او ایجاد و تقویت می‌شود. از این رو باید به تدریج، بُعد شناختی و عاطفی کودک را معنویت و تکالیف عبادی تقویت کنیم و زمینه کسب معرفت و گرایش دینی را در او فراهم آوریم (شکر الهی، ۱۳۹۲، ص ۴۰). در این سن، نوجوان در جهت فهم عادت‌های دینی و تعالیم مذهبی، تلاش می‌کند (مهرمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳). نوجوانان اعمال عبادی را بر اساس استدلال و منطق می‌پذیرد. علاوه بر استدلال و «برهان‌پذیری»، تجربه نوجوان در اعمال عبادی، به خوبی قابل مشاهده است و با درک و شعور درونی، به عبادت می‌پردازد.

در این مرحله، کودک به تدریج از فلسفه و چرایی مسائل و تکالیف شرعی سؤال می‌کند و می‌خواهد حکم آن‌ها را بداند. به طور مثال می‌خواهد بداند فلسفه عبادت و نماز خواندن چیست؟ چه اثری بر آن مترتب است؟ چرا باید به این شکل نماز خواند؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که باید در این دوره به آن پاسخ داد، تا کودک با آگاهی و معرفت، به انجام دادن آن‌ها گرایش پیدا کند و این ارزش‌ها در وجود او نهادینه گردد. البته نباید، تنها به معرفت نظری متربی یا انتقال اطلاعات دینی و معرفت‌های عبادی به وی، قناعت کنیم و آن را نشانه دین‌داری بپنداریم. بلکه باید طوری تربیت کنیم که فرد به حقیقت معارف دینی دست یابد و در عین حال، عامل به تکالیف و وظایف دینی و عبادی خود گردد.

در باب اهمیت معرفت دینی باید بگوییم کسب معرفت در هر فعالیت رو به کمالی از جمله تربیت دینی ضروری است. معرفت به تلاش انسان جهت می‌دهد. حضرت علی (ع) خطاب به کمیل بن زیاد

می فرمایند: «ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، مگر این که تو در آن، به یاری جستن از معرفت نیازمندی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۶).

۴-۲. عمل به آموخته های دینی

مرحله چهارم، عمل به آموخته های دینی است. زمانی که در گام سوم معرفت دینی ایجاد شد، گام چهارم عمل به آموخته های دینی است؛ یعنی تمام تار و پود وجود او، نگاه، توجه و سخن او، همه و همه جنبه شخصیت بارز دینی پیدا کند و دین در وجود او به طور کامل متجلی و متبلور شود.

۵-۲. خود جوشی دینی

آخرین مرحله از مراحل دینی که مربوط به دوره جوانی است، تحکیم ایمان و عقاید و در نهایت، رسیدن به مرحله عشق قلبی به معبود و تکالیف الهی است. این مرحله، از سن ۱۷ تا ۲۰ سالگی را در بر می گیرد (شکوهی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷).

با پشت سر گذاشتن صحیح مراحل قبل و اتمام مسائل آموزشی و عمل به آموخته های عبادی و معنوی، به تدریج تمام حرکات و سکنات جوان، روح معنوی و الهی پیدا می کند و رفتارهای او در جهت اهداف دینی و کسب رضایت خداوند قرار می گیرد. به تعبیر دیگر، وقتی در مراحل قبل، شخصیت کودک به طور کامل شکل دینی به خود گرفت، از یک نیروی درونی معنوی استفاده می کند و به دنبال عشق واقعی، یعنی عشق الهی و آسمانی می گردد. از این رو، در این دوره باید تلاش کرد عشق و ارتباط با خداوند در فرزندان افزایش یابد تا از عبادت و انجام تکالیف های عبادی لذت ببرند و به جایی برسند که انجام وظیفه دینی را در همه لحظات زندگی، بر تمام کارهای خود مقدم بدانند (شکر الهی، ۱۳۹۲، ص ۴۱). همان گونه که رسول خدا (ص) می فرماید: «بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و آن را در آغوش کشد و از صمیم دل دوستش بدارد و با تمام وجودش بدان درآمیزد و برای نیکو انجام دادن آن، خود را فارغ و آماده سازد و او را باکی نباشد که دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۳).

۳. راه کارهای انس دینی (پیش از تولد تا هفت سالگی)

سال های ابتدایی عمر هر فرد، از مهم ترین و مؤثرترین دوران زندگی او به شمار می رود. زیرا سال های شکل گیری شخصیت انسان است. بیشترین میزان یادگیری در این زمان اتفاق می افتد، در تحقیقاتی که درباره "ضرورت آموزش در سال های اولیه" انجام گرفته، آمده است: ۵۰٪ از رشد جسمی کودک، از تولد تا چهار سالگی شکل می گیرد و از چهار تا هشت سالگی، ۲۵٪ تا ۳۰٪ که مجموع آن ها حدود ۷۰٪ تا ۸۰٪ از کل را شامل می شود و بقیه، آموخته هایی است که از این سال تا پایان عمر انجام می گیرد (فرهادیان، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

می توان راه کارهای مناسبی برای به وجود آمدن انس دینی در این زمان، در دو مرحله پیش از تولد و پس از تولد تا هفت سالگی، بیان کرد.

۱-۳. پیش از تولد

مرحله قبل از تولد شامل پیش‌بینی‌های لازم به هنگام انتخاب همسر در جهت انتقال صفات و خصلت‌های مطلوب به کودک، تدابیر لازم به هنگام انعقاد نطفه، دوران جنینی و زایمان است.

۱-۱-۳. انتخاب همسر شایسته

امروزه صاحب نظران امور تربیت کودکان، زمینه تربیت را در همان لحظه انعقاد نطفه می‌دانند، اما دین اسلام، شروع تربیت فرزند را از زمان انتخاب همسر می‌داند. زیرا عوامل مؤثر در تربیت، جدای از فطرت، عوامل ارثی و محیطی هستند. با انتخاب همسر، پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی، بسته خواهد شد. چون خانواده و اجتماع محیط تربیت را تشکیل می‌دهد. یکی از روانشناسان درباره تربیت در این مرحله می‌گوید: «از حکیمی سؤال شد که تربیت را باید از چه زمانی آغاز کرد؟ حکیم گفت: از بیست سال قبل از تولد و اگر به نتیجه نرسیدند، معلوم می‌شود که باید زودتر از آن شروع می‌کردند» (سادات، محمد علی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲۱).

پس در جریان تشکیل نطفه، نقش ژنتیک و سهم وراثت نقش مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. اسلام نیز به این موضوع تأکید می‌کند و شاید آیه شریفه ذیل، اشاره به همین قانون وراثت داشته باشد: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا.....» (الأعراف/۵۸)؛ و سرزمین پاک، گیاهش به اذن (تکوینی) پروردگارش (فراوان و پربر) بیرون می‌آید، و آن (سرزمینی) که پلید است (گیاهش) جز اندک و بی‌خیر بیرون نمی‌آید....

«وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ»، زمینی که قابلیت و استعداد کشت و زراعت و غرس اشجار داشته باشد. «يَخْرُجُ نَبَاتُهُ» گیاه و حبوب و میوه‌های خوش‌بو بیرون می‌آورد. «بِإِذْنِ رَبِّهِ» به قدرت و ایجاد پروردگار؛ از این جمله استفاده می‌شود که قابلیت، محل شرط است. مجرد فاعلیت فاعل، کافی نیست. بلی! خداوند قدرت دارد از زمین طیب هم خار و خس را خارج کند، و در بیابان‌های لم یزرع گل‌های زیبا به وجود آورد. برای نمونه پسر نوح، جعفر کذاب و محمد ابن ابی بکر (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۴۷). در تفسیر المیزان آمده که اعمال حسنه و آثار ارزنده از گوهر پاک سرچشمه می‌گیرد، و خلاف آن‌ها از خلاف آن (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۶۱).

رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «به هم شأن خود، زن بدهید و از هم شأن خود، زن بگیرید و برای نطفه‌های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۷).

از این آیات و روایات نتیجه می‌گیریم که اسلام برای صفات اخلاقی و ویژگی‌های خانوادگی و روحی اهمیت بسیاری قائل شده است، زیرا صفات مادر در تکوین آینده کودک نقش مؤثری دارد (اخلاقی، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

۲-۱-۳. انس جنین با معنویت

یکی از مهم‌ترین عواملی که در تشکیل شخصیت فرد نقش دارد، توجه به نخستین مرحله رشد است. یعنی زمانی که نطفه در حال شکل گرفتن است، اسلام دستورهای خاصی در این زمینه بیان کرده است. در

آیه های بسیاری به مراحل شگفت آور سیر نطفه در رحم مادر و چهره های گوناگون خلقت که یکی بعد از دیگری در آن قرارگاه امن و دور از دسترس بشر ظاهر می شود، اشاره شده است.^۵

از دیدگاه روان شناسی، با وجود عدم ارتباط مستقیم دستگاه عصبی جنین با مادر، حالت های هیجانی او از قبیل: خشم، ترس و اضطراب می تواند در واکنش ها و رشد جنین تأثیر بگذارد. زیرا این حالت ها، مواد شیمیایی ایجاد می کند که می تواند از طریق جفت وارد بدن جنین شود. همچنین ترشح برخی هورمون ها باعث تغییر در سوخت و ساز بدن و ترکیبات خون می شود و از طریق جفت در جنین اثر می گذارد و حرکات آن را افزایش می دهد (سیف و دیگران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۲).

از نظر اسلام اولین مسئله مورد توجه، رعایت تقوا و ترک محرمات به وسیله پدر و مادر و پرهیز از غذای حرام در زمان به وجود آمدن نطفه، شکل گیری سلول ها و زمان قرار گرفتن آن ها در رحم و مراقبت های غذایی آن دوران است. تغذیه در خلق و خوی فرزند و سرنوشت او بیشترین تأثیر می گذارد. اگر لقمه ناپاک و حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کند و از طریق آمیزش به جنین انتقال یابد؛ یک موجود مبتلا به ویروس و یک جنین مبتلا به امراض و ناپاکی شکل می گیرد که پالایش، تهذیب و تزکیه او پس از تولد بسیار مشکل است (فرزند وحی، حیدر نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷). اگر درآمد خانواده از راه های نامشروع تأمین شود، راه دخالت شیطان در تشکیل نطفه باز می شود. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَ اسْتَغْزَزْ مَنْ اسْتَطَاعَتْ مِنْهُمْ بَصُوتُكَ وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ وَ سَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ» (الاسراء/۶۴)؛ و هر کس از آن ها را بتوانی به آوای خود (به سوی گناه) برانگیزی، و بر آن ها (برای راندن به سوی معاصی) با سواره ها و پیاده های (لشکر) خود بانگ بزنی و با ایشان در اموال و فرزندان شرکت کن، و آن ها را (در ترک هر واجب و انجام هر حرام) وعده ده... .

بعضی مفسران شرکت در اموال را فقط به معنای «ربا»، و شرکت در اولاد را فقط به معنای فرزندان نامشروع دانسته اند. در حالی که این دو کلمه معنی بسیار وسیع تری دارد که اموال حرام، فرزندان نامشروع و غیر آن را شامل می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۷۵). روایت های فراوانی نیز در ذیل این آیات وارد شده، که شرکت شیطان را در فرزندان به عنوان فرزندان نامشروع یا فرزندان که از مال حرام، نطفه آن ها منعقد می شود یا به هنگام انعقاد نطفه، پدر و مادر به یاد خدا نیستند، تفسیر کرده اند (رک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۸۲). ولی منظور این تفسیرها بیان قسمتی از مصداق های روشن است و دلیل بر انحصار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۷۵).

در روایات نیز درباره کسب روزی حلال و تغذیه مادر از روزی حلال سخن گفته شده است. چنان که امام صادق (ع) می فرماید: «اثر درآمد حرام در فرزندان آدمی آشکار می شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۵). در روایت دیگری فرمودند: «سعادت کسی است که سعادت او در شکم مادر پایه ریزی شده و بدبخت کسی است که شقاوتش در شکم مادر پایه گذاری شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۵۶) همچنین در روایت ها به این مسئله اشاره شده است که وضع تغذیه مادر همچنان که در سلامت و بیماری جنین اثر دارد در اخلاق خوب یا بد، مقدار هوش و حافظه او نیز تأثیر خواهد داشت. به همین دلیل اسلام به بانوان توصیه می کند از بعضی غذاها و میوه ها بیشتر استفاده کنند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «به زن آبستن در آخرین ماه های بارداری، خرما بخورانی تا فرزندش بردبار و پاکیزه باشد» (طبرسی، ۱۴۱۲،

ص ۱۶۹). در جای دیگر فرمودند: «به زن آبستن به بخورانید تا فرزندان شما خوش اخلاق شوند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۳۵).

۲-۳. از تولد تا هفت سالگی

برخی راه کارهای مهم در این دوره عبارتند از:

۱-۲-۳. شیر دادن به کودک با وضو

انتقال از دوره جنینی به دوره نوزادی، را شاید بتوان بزرگ‌ترین دوره انتقال در زندگی دانست که هر فرد آن را تجربه می‌کند. قرآن کریم با اشاره به این مرحله، فرموده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً.....»؛ و همان است که شما را از خاک آفرید سپس از نطفه، آن گاه از علقه، سپس شما را در حال کودکی (از رحم مادر) بیرون می‌آورد... .
ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ^(ص)؛ سپس شما را از شکم مادران بیرون می‌آوریم، "طِفْلاً" در حالی که طفل هستید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۴۷). در این دوره، تربیت همان پرورش کودک است. تربیت طفل شیرخوار تغذیه مناسب او با شیر مادر است. خدای متعال در این زمینه امر می‌کند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...» (بقره/ ۲۳۳) و مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند...؛ این آیه به صورت جمله خبری آمده است، ولی منظور از آن امر است؛ یعنی باید فرزندان خود را شیر بدهند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۸۶). پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی می‌فرماید: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۸۸).

از جمله اقدام‌های تربیتی در ایجاد زمینه مناسب، برای گرایش کودک به معنویات و عبادات، به ویژه نماز، این است که مادر در دوره شیر دادن به کودک، همواره وضو داشته باشد. زیرا اثر تربیتی‌اش این است: «وضو به عنوان مقدمه نماز، نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگی‌ها می‌شود، بلکه تطهیر روح را نیز در بر می‌گیرد. این طهارت جسم و روح که با وضو حاصل می‌شود، تأثیر روانی در روحیه مادر و کودک دارد. اگر مادر هنگام شیر دادن با وضو باشد، باعث استراحت و آزادسازی روح کودک و رابطه معنوی او با خدا می‌شود (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۳۲).

۲-۲-۳. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

روایت شده است که وقتی امام حسن^(ع) متولد شد، رسول^(ص) به اسماء بنت عمیس فرمود: ای اسماء، فرزندم را بیاور. اسماء او را به حضور پیامبر برد. پیامبر^(ص) نوزاد را در آغوش گرفت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند؛ چنان‌که درباره حسین^(ع) نیز چنین کرد (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، صفحه ۲۵۶). بر اساس برخی روایات، پیامبر^(ص) علاوه بر اذان و اقامه، فاتحه‌الکتاب، آیه‌الکرسی، سوره «اخلاص»، معوذتین و آیات آخر سوره «حشر» را نیز در گوش حسنین خوانده است (میرزا حسین نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۳۷). انتخاب نام نیکو برای فرزند، از دیگر کارهایی است که در روایات تأکید فراوان شده است.^۶

۳-۲-۳. همسازی کودک در عبادت

رفتار پدر و مادر در محیط خانه، هر چه باشد سرمشقی برای کودکان خواهد بود. زیرا آنان فاقد درک کامل شرایط عقلی هستند که بتوانند خوبی را از بدی تمایز دهند. از این گذشته، فرزندان به پدر و مادرشان علاقه دارند و بر اساس همین علاقه، آن‌ها را سرمشق خود قرار می‌دهند و می‌کوشند رفتارشان را با افعال ایشان انطباق دهند. روی این اصل معلوم می‌شود که پرورش اخلاقی کودکان در محیط خانه، به صورت عملی انجام می‌پذیرد (رشید پور، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹).

زیرا کودکان اولین و بهترین درس دینداری و ارتباط معنوی با خدا را در محیط خانه از طریق مشاهده عملکرد والدین به ارث می‌برند. در این زمینه مروجی طبسی می‌نویسد:

«وقتی که کودکان و نوجوانان مشاهده می‌کنند که پدر و مادرشان نسبت به امور مذهبی حساسیت و دقت نظر دارند و به عبادات اهمیت فراوان نشان می‌دهند و در اوقات نماز با اشتیاق به سوی عبادت می‌شتابند و در مناسبت‌های مذهبی و مراسم عبادی شرکت فعال دارند، خود به خود به این قبیل امور احساس علاقه و نشاط می‌کنند و مجذوب حالات ملکوتی دعا و مناجات می‌شوند» (مروجی طبسی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸).

این امر ناشی از الگوپذیری کودکان است که از گزینه تقلید سرچشمه می‌گیرد. در تعریف تقلید گفته می‌شود: «تولید مجدد و فعال کیفیات و خصوصیات ادراک شده رفتار موجودات دیگر». قسمت عمده یادگیری‌های انسان از رهگذر تقلید صورت می‌گیرد که شامل تقلید زبانی، تکرار کلمات و جملات، همانندسازی در حالات، واکنش‌ها، چگونگی برخورد با شرایط مختلف و همچنین پذیرش و التزام به اعتقادات و باورهای خاص می‌شود (عباسی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۵۰).

چشم و گوش برای کودک مانند دریچه‌ای است که به طور مستمر می‌بیند و می‌شنود و ذهنش همانند آینه‌ای از مشاهدات است که عکس می‌گیرد و ضبط می‌کند. بنابراین والدین باید از این گزینه، کمال بهره را بگیرند و تربیت دینی را از این طریق به کودک بیاموزند. برای مثال اگر عبادت، به ویژه اقامه نماز در معرض دید کودک انجام گیرد، اثر تربیتی و سازنده‌ای به دنبال دارد. علاوه بر تأثیر روحی و روانی، موجب ترغیب کودک به یادگیری و انجام آن عمل عبادی نیز می‌شود. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: «امام علی (ع) در خانه خود اتاق متوسطی را به نماز اختصاص داده بود و در آنجا عبادت و راز و نیاز می‌کرد. هر شب که طفلی به خواب نمی‌رفت، امام او را به آن اتاق می‌برد و نماز می‌خواند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۵).

در روایت‌ها نقل شده است که پیامبر (ص) برای حسنین (ع) دعا و تعویذ می‌خواند و برای سلامتی آن‌ها معوذتین (سوره‌های ناس و فلق) را قرائت می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۳۱۵). این عمل رسول خدا (ص) علاوه بر آن که موجب محافظت کودکان می‌شد، از جنبه تربیتی نیز بر آنان اثرگذار بود. چون آنان به طور غیرمستقیم اهمیت دعا و تلاوت قرآن را در می‌یافتند (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۵۰).

۳-۲-۴. همراه کردن کودکان با خود در محافل مذهبی

حضور کودکان در اماکن و برنامه‌های مذهبی، به ویژه نماز جماعت، مخصوصاً اگر با تشویق همراه

باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. باهنر بر این باور است که «هر چه میزان شرکت کودک و فعالیت‌های او در [این] محیط‌ها بیشتر باشد، به نگرش‌های دینی والاتری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه‌مندی کودک به این محیط‌های مقدس نیز با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط‌ها رابطه مستقیمی دارد» (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲).

البته برای ایجاد موفقیت در این زمینه لازم است در کنار عبادت و نماز، برای کودکان برنامه‌های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند اهدای جوایز، کارت تشویق، پخش شیرینی و شکلات در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت فراهم می‌کند (ملکی، شاملی، شکر الهی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

از امام حسن^(ع) نقل شده است که فرمودند: «نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول خدا^(ص) خواندم؛ همین که حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جای‌تان بمانید. آن‌گاه برای تقسیم ظرف حلوانی در میان نمازگزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری حلوا خوراندند. من کودک بودم. وقتی به من رسیدند؛ آن حضرت قدری حلوا به من خوراندند، سپس فرمودند: باز هم بدهم؟ عرض کردم: آری! آن حضرت به دلیل خردسال بودنم باز هم مقداری به من خوراندند و بدین حال بودند تا آن‌که به همگان حلوا خوراندند» (فقیهی، ص ۵۹، نقل از العیال، ج ۱، ص ۳۸۰). نکته دیگر این‌که بزرگ‌ترها مجلس‌هایی را انتخاب کنند که در آن‌ها، مطالب خرافی و القای نادرست مطرح نگردد.

۵-۲-۳. ایجاد علاقه به خدا در کودکان

مربیان و والدین در این مرحله سعی می‌کنند در فرصت‌های مناسب و به مقدار درک کودکان، نام خدا و پیامبر را به عظمت یاد کنند. در هر زمانی مهربانی و الطاف او را یادآور شوند. نعمت‌های فراوان الهی را در این دنیا و جهان آخرت بازگو کنند و بدین وسیله مهر و محبت خدای بزرگ را در دل کودکان تثبیت کنند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۶).

یادآوری نعمت‌های الهی از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه و توجه دادن فطرت پاک کودک، به صاحب نعمت خود و سپاس‌گزاری از او بسیار مؤثر است. ذکر نعمت‌ها می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و تعمیق بینش الهی کودکان و در نتیجه، گرایش به شکرگزاری از خداوند را فراهم سازد.

در آیات^۶ و روایت‌های زیادی به این روش توجه داده شده است. چنان‌که خداوند متعال به حضرت موسی^(ع) وحی فرستاد: «مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. عرض کرد چگونه؟ وحی آمد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن، آنان خود عاشق من خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴).

توجه به این موضوع لازم است که کودکان هنوز به دوره تفکر مذهبی نرسیده‌اند و ذهن آنان قدرت کافی برای درک مسائل و ادله پیچیده ندارد و از هر استدلالی برای اثبات خداوند یا هر جنبه‌ای از دین که فراتر از توانایی‌های ذهنی آن‌ها باشد، برداشت‌های ساده، مطلق و غیرواقعی خواهد داشت و اغلب از معنای ظاهری جملات فراتر نخواهد رفت. وقتی هم در درک مطلب شکست بخورند، این شکست را متوجه استدلال و بطلان اصل مسئله می‌دانند (علیا نسب، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷).

۳-۲-۶- آموزش قرآن و حدیث (با استفاده از شیوه‌های جدید و نشاط آور)

یکی دیگر از جنبه‌های تربیت دینی کودک، آموزش قرآن در ابعاد مختلف قرائت، روحانی و مفاهیم آن است. رسول خدا^(ص) در بیان وظایف والدین، این نکته مهم را نیز در نظر داشته است. در سخنی از پیامبر^(ص) نقل شده است که فرمود: «فرزندان خود را بر پایه سه ویژگی تربیت کنید؛ محبت ورزیدن به پیامبر و اهل بیت او و قرائت قرآن» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۵۶). ایشان در روایت دیگری، برای والدینی که به فرزندشان قرآن آموزش دهند، ثواب و پاداش اخروی بیان کرده است (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۴۸۱۴).

در این روایت‌ها، علاقه‌مند کردن فرزندان به رسول خدا^(ص) و اهل بیت^(ع) در ردیف انس با قرآن ذکر شده است. هر دو کار، از وظایف والدین است. بی‌شک، راه‌هایی همچون: بیان ویژگی‌ها و فضایل اهل بیت^(ع)، شرکت دادن فرزندان از دوران کودکی در مراسم دینی، عزاداری و جلسه‌های قرآن از راه‌های مؤثر در تحقق این توصیه رسول خداست. البته مشروط بر این که در این امر زیاده‌روی نشود. در دوران کودکی، به ویژه شش سال اول که مرحله بازی و آزادی کودک است، تمام زمان او به حضور در محفل‌های حفظ و قرائت قرآن محدود نگردد. امروزه برنامه‌های فشرده حفظ و آموزش قرآن، در مراکز آموزش رسمی و غیررسمی رایج شده است و نباید در کودک احساس تحمیل را ایجاد کرد. زیرا این کار، به جای آن که در تربیت دینی و رشد علایق مذهبی کودک مؤثر باشد، پیامدهای منفی، از جمله: دوری و جدایی کودک از بازی و آزادی، کاهش اشتیاق روانی کودک به آموزش‌های مذهبی و قرآنی، کاهش انگیزه و میل او به انس و یادگیری قرآن و مفاهیم دینی پس از دوران بلوغ را به دنبال دارد. علاوه بر آن، بیشتر برنامه‌های آموزشی متدوال، مبتنی بر حفظ و قرائت و ظواهر قرآن است که با هدف نزول قرآن و سیره رسول خدا^(ص)، ائمه اطهار^(ع) و اصحاب آنان که فراگیری معانی و مفاهیم قرآن است، سازگار نیست (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

در این باره می‌توان با استفاده از روش‌هایی مانند: داستان‌گویی، روش نمایشی، بحث گروهی، ایفای نقش، اجرای برنامه‌های گام به گام، قاعده گویی و آموزش مفاهیم قرآن کریم را برای کودکان جذاب کرد.^۸

۳-۲-۷. انس دادن او به حجاب و مقررات دینی

تربیت دینی کودکان و نوجوانان، نهادینه کردن فریضه حجاب و عفاف است. این امر باید در دوران قبل از دبستان و از طریق ایجاد انس به مسائل و ارزش‌های دینی و قرآنی تحقق یابد. از عوامل مؤثر در این باره، شناخت فطرت‌های آنهاست. اگر این شناخت حاصل شد، تربیت، پرورش و رشد کودکان و نوجوانان بهتر، راحت‌تر و صحیح‌تر انجام می‌گیرد. انس‌دهی کودکان و نوجوانان با ارزش‌های اخلاقی از جمله: فریضه حجاب و عفاف، نمایش الگویی و عملی از رفتار والدین و اعضای خانواده، تشویق، ترغیب و عادت دادن مطلوب کودکان و نوجوانان به انجام ارزش‌ها، موجب نهادینه شدن ارزش‌ها و فرایض الهی در وجود آنها می‌گردد؛ به عبارت دیگر، ارزش‌ها آگاهانه در فرد درونی می‌شود و از حالتی زودگذر و سطحی به موضوعی عمیق و بنیادی در زندگی او تبدیل می‌شود.

الف) الگو آفرینی

وجود غریزه تقلید در کودکان، زمینه‌ساز تأثیرپذیری آن‌ها از الگوهاست. در این روش تربیت الگویی مورد استفاده کودک قرار می‌گیرد. الگوهای عملی خانواده مانند: حجاب و پوشش پدر و مادر تأثیر ژرفی بر رفتار کودک دارد. در واقع پدر و مادر با اعمال و رفتار مناسب به شکل غیرکلامی ارزش‌ها و هنجارها را در رفتار کودک ایجاد می‌کنند. والدین و مربیان باید به گونه‌ای اعمال و فعالیت‌های دینی و مذهبی خود را انجام دهند که الگوی ذهنی کودکان را در انجام این امور شکل دهند (خلجی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹-۱۶۰).

ب) محبت

محبت در پرورش صحیح و متعادل جسم و جان کودک تأثیرهای فراوانی دارد. یکی از بهترین روش‌هاییست که می‌توان از طریق آن حجاب، عفاف و سایر اعمال عبادی را در کودک نهادینه کرد محبت است. بهترین تربیت آن است که با مهر و عطوفت تحقق یابد. زیرا محبت با سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش آن درونی و بدون هیچ تحمیلی است. ضرورت و اهمیت به کارگیری محبت، از آن روست که اطاعت‌آور است و سبب همسانی و همراهی فرزند با والدین می‌شود. حضرت علی^(ع) درباره اهمیت و تأثیر این روش می‌فرماید: «دوستی ورزیدن نیمی از خرد است» (نهج البلاغه ترجمه شهیدی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۶).

همچنین در باب اهمیت محبت به کودکان، پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: «کسی که به کودکان محبت نکند و به بزرگسالان احترام نگذارد، از ما نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص ۱۴۳). البته در این روش باید به چند نکته توجه داشت: ۱. محبت خود را اظهار کنیم؛ ۲. محبت واقعی باشد؛ ۳. در محبت به کودکان افراط نوزیم (امینی، ۱۳۸۴، ص ۴۹۶-۴۹۸).

ج) تشویق و تنبیه

از دیگر شیوه‌های تربیتی در فرهنگ‌سازی فریضه حجاب و عفاف، مقررات دینی با مهارت تشویق و تنبیه، از روی آگاهی و تصمیم به موقع است. مقصود از تشویق، پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کودک (متربی) است؛ مانند: ابراز مهرورزی به او، واگذاری مسئولیت مناسب به او، وعده پاداش دادن و نقطه مقابل تشویق، تنبیه است که مقصود از آن واکنش مربی (والدین) در برابر رفتار ناپسند متربی است؛ همچون: نگاه سرد، روی برگرداندن، بی‌اعتنایی، تغییر چهره، محروم ساختن، جریمه کردن را می‌توان نام برد (علاء الدین، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴).

قرآن کریم سرشار از وعده و وعید است، اما در تربیت اسلامی بر تشویق بیش از تنبیه تکیه شده است. تشویق موجب رغبت، نشاط و دل‌گرمی در انسان می‌شود. او را به جدیت وادار می‌کند. البته در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشد و تخلفی از سوی متربی صورت گرفت، به منظور آگاهی دادن به او و جلوگیری از اهمال کاری در انجام فرایض دینی، می‌توان ابتدا به انذار و سپس به تنبیه بدنی که جنبه انسانی دارد پرداخت. البته حدود آن مختصر و محدود باشد. برای این که تشویق سودمند باشد و بهتر نتیجه دهد رعایت نکات زیر ضرورت دارد:

۱. باید اخلاق و رفتار کودک را تحسین کرد، نه خود او. باید او را متوجه کنیم که آنچه ارزشمند است عمل و صفت اوست؛
۲. تشویق باید در جای خود و متناسب با نوع رفتار کودک و نوجوان باشد (زبانی، رفتاری، مالی، معنوی)؛
۳. تشویق باید به اندازه و معقول باشد. نباید به صورت هدفی برای کودک درآید؛
۴. تشویق باید تحریک‌کننده دیگران باشد. به گونه‌ای که باعث ترغیب دیگران به انجام آن عمل شود؛
۵. تشویق باید منطبق با استحقاق کودک باشد؛ یعنی کودک خود را مستحق تشویق بداند و از درون آن را تأیید کند و از آن آگاه باشد؛
۶. تشویق در حضور جمع اثر بیشتری دارد (امینی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۵).

د) داستان‌سرایی

یکی دیگر از روش‌های یاددهی و یادگیری که به صورتی شگفت در ذهن و روح انسان نفوذ می‌کند و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، داستان‌سرایی است.

قرآن کریم خود را منبعی برای قصه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُوَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةً وَ ذِكْرًا لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود/ ۱۲۰)؛ و هرگونه خبر از اخبار فرستادگان (خود) را برای تو بازگو می‌کنیم، اخباری که قلب تو را بدان ثابت و استوار سازیم، و در این سرگذشت‌ها حق به تو رسیده و پند و تذکری برای گروندگان آمده است.

تأثیرگذاری قصه و داستان غیرمستقیم و نادیدنی است. به طور غیرمستقیم راه را نشان می‌دهد، هدایت می‌کند، عبرت می‌دهد، موعظه و تشویق می‌کند، می‌ترساند و امیدوار می‌کند. یکی از اهداف بیان داستان‌های قرآن نیز همین امر است.

یکی از کارهایی که کودکان به آن علاقه دارند، شنیدن قصه است. آن‌ها با هیجان زیاد به قصه گوش می‌دهند و خود را در اختیار قصه‌گو قرار می‌دهند و تأثیر لازم را از او می‌پذیرند. قصه نه فقط پیام مفیدی برای کودک دارد، بلکه اگر جذاب و مناسب، طراحی و بیان شود کودک و نوجوان می‌کوشد خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازد. والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های جذاب به ساخت الگوی معنوی ذهن آنان بپردازند و زمینه علاقه و انگیزه آنان را در انجام مسائل معنوی فراهم آورند. در نتیجه نوعی اشتیاق در کودک ایجاد می‌شود و در نتیجه آن‌ها از انجام اعمال دینی احساس رضایت می‌کنند. این حس رضایت باعث درونی شدن عمل اخلاقی در وجودشان می‌شود (خلجی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۱۷۶).

نتیجه‌گیری

آگاهی والدین و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت از مراحل رشد، ویژگی‌ها، انتظارات و نیازهای کودک در هر دوره، در دستیابی به اهداف تربیتی تأثیرگذار است. این آشنایی به ویژه زمانی که بحث تربیت دینی کودکان مطرح باشد ضرورت می‌یابد. متولیان امر تربیت باید بدانند که تربیت امری مرحله‌ای است و باید با توجه به مراحل رشد، تحول روانی و ویژگی‌های هر دوره اقدام به برنامه‌ریزی نمایند. برخی

متخصصان علوم تربیتی بر مبنای نقش مربی، مراحل تربیت دینی را به شرح زیر توصیف می‌کنند. انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، عمل به آموخته‌های دینی و خودجوشی دینی. این مراحل به صورت مستمر و منظم یکی پس از دیگری فراهم و امکان‌پذیر خواهند شد. مهم‌ترین مرحله، انس دینی است که مربوط به دوره پیش از تولد تا هفت سالگی کودک است. در این دوره، می‌توان از طریق مشاهده و فضا سازی معنوی، زمینه تقلیدپذیری کودکان را فراهم کرد و با دادن راه‌کارهای مناسب که مبتنی بر دستوره‌های دین اسلام است این مرحله را با موفقیت پشت سر گذاشت. مهم‌ترین راه‌کارهایی که در این پژوهش به آن‌ها اشاره شد، عبارتند از:

- مرحله پیش از تولد، انتخاب همسر شایسته و انس جنین با معنویت با به جا آوردن واجبات و ترک محرمات و توجه به تغذیه مناسب.
- همسازی کودک در عبادت (همراه کردن او در نماز).
- همراه نمودن او با خود در محافل مذهبی (مسجد، هیئت و مراسم مذهبی).
- توصیف کودکانه، اما گویا از کودکان؛ ایجاد علاقه به خداوند در کودک، از طریق یادآوری نعمت‌های الهی.
- آموزش قرآن و احادیث به او، از طریق شیوه‌های جدید و نشاط‌آور.
- عادت دادن او به حجاب و مقررات دینی (از طریق روش‌هایی مانند: الگوآفرینی، محبت، تشویق و تنبیه و داستان سرایی).

پی‌نوشت:

۱. از جمله این‌ها، قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، تهران: انتشارات امیری، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ است.
۲. از این حدیث برای این منظور کتاب؛ باقری خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰ استفاده شده است. در این مورد به ویژه تسلط و دقت مؤلف قابل ملاحظه است.
۳. در این باره می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:
- دیس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۸، ۱۳۶۸.
- شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ ۱۳۶۳.
- ندیمی، محمد تقی، بروج، محمد حسین، آموزش و پرورش ابتدائی- راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران، انتشارات مهرداد، چاپ ۱. ۱۳۷۱
۴. از آن جمله می‌توان به (شعبانی و زکی، بختیار، «درآمدی بر مراحل تربیت در قرآن، نشریه دانشکده الهیات مشهد»، شماره ۳۹ و ۴۰)؛ شکر الهی، مهدی، «مراحل تربیت عبادی معنوی با تأکید بر نماز و روزه، معرفت»، سال بیست و دوم، شماره ۱۹۴، بهمن ۱۳۹۲؛ فرزند وحی، جمال، حیدر نژاد، طاهره، «مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، سنت و علم روانشناسی»، فصلنامه تخصصی تفسیر علوم قرآن حدیث سال پنجم، شماره هفدهم، تابستان، ۱۳۹۲. فاضلی، مهسا، «اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و

- سیره عملی رسول خدا (ص)، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۰، ۱۳۹۰.
۵. غافر/۶۷؛ حج/۵؛ دهر/۲.
۶. رسول خدا ص نام نیکو نهادن بر فرزند را از جمله حقوق مسلم فرزند بر پدرش معرفی کرده و فرموده است: «حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوبی برایش انتخاب و او را نیکو تربیت کند.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۳۸ و ۳۷۹).
۷. بقره/۲۳۱؛ آل عمران/۱۰۳؛ اعراف/۶۹ و ۷۴؛ فاطر/۳؛ لقمان/۲۰.
۸. برای توضیحات بیشتر این روش‌ها به مقاله «انواع روش‌های آموزشی نوین و کاربرد آن‌ها در آموزش قرآن»، مجله رشد، تابستان، ۱۳۸۸، شماره ۲۵ نوشته خدیجه یزدانی مراجعه کنید.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۶)، نهج البلاغة / ترجمه شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۶)، علل الشرائع، مترجم مسترجمی، چاپ ششم، تهران: کتاب فروشی مصطفوی.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (بی‌تا)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: (بی‌جا).
- اخلاقی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، «نقش دین در تربیت فرزندان»، فرهنگ کوثر، شماره ۸۱، بهار، ۱۰ صفحه- از ۵۶ تا ۶۵.
- امینی، ابراهیم، (۱۳۸۴)، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (بی‌تا)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- باهنر، ناصر، (۱۳۸۷)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، چاپ نهم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (بی‌تا)، الصحاح، چاپ اول، بیروت: (بی‌نا).
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة. چاپ اول، قم: مؤسسه البیت.
- خلجی، حسن، (۱۳۹۰)، «شیوه‌های مؤثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان»، طهورا، شماره ۸، بهار، ۲۸ صفحه، از ص ۱۴۹ - ۱۷۶.
- دورانت، ویل، (۱۳۸۱)، تاریخ تمدن، (مشرق زمین گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، ع پاشایی، امیر حسین آریان پور، چاپ هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رشید پور، مجید، (۱۳۷۴)، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر روشها، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران: (بی‌جا).
- سیف، سوسن و دیگران، (۱۳۸۵)، روانشناسی رشد، قم: کتابخانه مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

- شاملی، عباسعلی، (۱۳۸۱)، «درآمدی بر مفهوم شناختی در قلمرو تربیت دینی»، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۲، پاییز، ۲۹ صفحه، از ص ۴ - ۳۲.
- شکر الهی، مهدی، (۱۳۹۲)، «مراحل تربیت عبادی معنوی با تأکید بر نماز و روزه»، معرفت، بهمن، سال بیست و دوم- شماره ۱۶، ۱۹۴ صفحه- از ۲۹ تا ۴۴.
- شکوهی، غلامحسین، (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ بیست و یک، مشهد: به نشر.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- عباسی مقدم، مصطفی، (۱۳۹۱)، «نگاهی به ابعاد مفهومی و کارکردی الگو واسوه در تربیت و تبلیغ دینی»، پژوهش نامه تربیت تبلیغی، پیش شماره ۱.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، چاپ اول، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، چاپ اول، بیروت: دار الافاق الجديدة.
- علاء الدین، سید رضا، (۱۳۸۹)، «شیوه های موثر برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان از منظر قرآن و روایات»، مجله کوثر، شماره ۳۷.
- علیا نسب، سید حسین، (۱۳۸۶)، نقش خانواده در تربیت مذهبی فرزندان؛ همایش تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فاضلی، مهسا، (۱۳۹۰)، «اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله»، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۰.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۶۶)، روضة الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، محمود، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فرزند وحی، جمال، حیدر نژاد، طاهره، (۱۳۹۲)، «مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی»، حسنا، سال پنجم، شماره هفدهم.
- فرهادیان، رضا، (۱۳۹۱)، آنچه درباره کودکان و نوجوانان باید بدانیم، چاپ چهارم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- فقیهی، علی نقی، (۱۳۸۴)، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، چاپ اول، تهران: مؤسسه مهر تابان.
- قضاعی، محمد بن سلامة، (۱۳۶۱)، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، محقق / مصحح: حسینی آرموی (محدث)، جلال الدین، ج ۱، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۷۴)، رویکرد نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش های اکتشافی، تهران: قدیانی.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر متقی هندی، حسام الدین، (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرساله.

- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط- القديمة)، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ اول، قم: دارالحديث.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (بی تا)، تاج العروس، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- مروجی طبسی، محمدجواد، (۱۳۸۷)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، چاپ پنجم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا.
- ملکی حسن، شاملی عباسعلی، شکر الاهی مهدی، (۱۳۹۰)، «تربیت عبادی کودکان»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال سوم، شماره اول.
- مهر محمدی، مجید، (۱۳۸۵)، «کودکان در مورد خداوند و عبادت او چگونه می اندیشند؟»، پیوند، شماره ۳۲۰.
- نوذری، محمود، (۱۳۸۸)، «توصیف و ارزیابی رویکرد شناختی رشد دینی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال اول، شماره دوم.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.